

نگهداری شود. در چنین شرایطی، با توجه به بهبود درآمدهای ارزی کشور که ناشی از افزایش قابل توجه قیمت نفت خام و درآمدهای صادراتی بود، ثبات بیشتری در بازار ارز حاکم گردید و منجر به کاهش نرخ ارز بازار آزاد طی سال های ۷۹ تا ۸۰ شد. مهمترین سیاست ارزی کشور در سال ۸۱، یکسان سازی نرخ ارز و به تبع آن، حذف نرخ رسمی ارز بود که به منظور شفاف نمودن میزان ارز تخصیصی به بخش های مختلف بر اساس کارایی اتخاذ گردید.

با توجه به تجربه شکست سیاست یکسان سازی نرخ ارز در برنامه اول توسعه، سیاست های کنترل تورم و مدیریت بدهی های خارجی در برنامه سوم، مورد اهتمام جدی قرار گرفت. در این راستا، بهبود درآمدهای ارزی و مدیریت مناسب بدهی های خارجی طی برنامه سوم، باعث گردید سیاست یکسان سازی نرخ ارز در عمل با موفقیت اجرا گردد. این سیاست طی دوران برنامه چهارم، در حال انجام بوده و بهبود وضعیت ذخایر ارزی خارجی کشور، به موفقیت آن کمک شایانی نموده است.

بررسی تغییرات نرخ های ارز عمده بر حسب ریال در سال های اخیر، بیانگر این است که این بازار از روند باثباتی برخوردار بوده است و رانت های زیادی که از طریق نظام ارزی، نصیب افراد حقیقی و حقوقی می شد، به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، به طوری که بیشتر واسطه گران به سمت سایر بازارهای بیمار کشور رهنمون شده اند. ■

دولت را مجبور به اعمال سیاست های تحدید واردات و اعمال مقررات جدید ارزی نمود. در سال ۷۳ مشکل بازپرداخت بدهی های خارجی سررسید شده و معوقه، از طریق مهلت خواهی بخشی از آن و بازپرداخت بخشی دیگر، تا حدودی حل و فصل گردید و موقعیت بین المللی کشور بهبود یافت. با شروع برنامه دوم توسعه (۷۸-۷۴) سیاست تثبیت نرخ ارز دنبال گردید، ولی نرخ ارز بازار آزاد با روند صعودی فزاینده ای همراه بود. کاهش درآمدهای ارزی در سال ۷۷ به دنبال کاهش شدید قیمت های نفت و سررسید تعهدات ارزی و در نتیجه اعمال کنترل های ارزی، باعث گردید نرخ ارز بازار آزاد طی برنامه دوم توسعه از افزایش قابل توجهی برخوردار گردد.

با شروع برنامه سوم توسعه، سیاست های ارزی کشور در راستای شفافیت و یکسان سازی نرخ ارز شکل گرفت. برای این منظور از ابتدای سال ۷۹، نرخ ارز صادراتی از سیستم تخصیص ارز، حذف و گواهی سپرده ارزی جایگزین واریزنامه ارزی گردید. از طرفی، مطابق ماده ۶۰ قانون برنامه سوم، به منظور ایجاد ثبات در تخصیص فرآیند درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام و تقویت توان کشور در مقابل بحران های احتمالی ناشی از کاهش قیمت های نفت، مقرر گردید مازاد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام نسبت به ارقام پیش بینی شده بودجه، در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی تحت عنوان "حساب ذخیره ارزی حاصل از صادرات نفت خام"

#### مشکلات و راهکارهای اجرای اصل ۴۴

## اصل ۴۴، آرمان اقتصاد غیردولتی



اصل ۴۴ قانون اساسی، علیرغم همه آثار مثبتی که در اقتصاد کشور خواهد داشت، مورد اهتمام جدی قرار نگرفته است که این موضوع جای تأمل و بررسی دارد.

بخش های خصوصی و تعاونی و در عین حال، نیازی که این بخش ها به اطمینان خاطر و اعتماد به طرح های خصوصی شده دارند تا نقدینگی خود را وارد این چرخه اقتصادی نمایند. (۲) و یژه خواری عده ای فرصت طلب در استفاده از رانت قدرت و ثروت، جهت تملک بنگاه های عظیم دولتی و انحصارگرایی، مشکل دیگری است که در این زمینه قابل ذکر می باشد.

(۳) هرگونه عدم هماهنگی ارکان دولت و تسلط مدیران دولتی بر شرکت های دولتی، مانع اجرای سیاست های این اصل می گردد.

(۴) در روند طولانی مدت واگذاری ها و اجرای برنامه ها و سیاست ها، این احتمال وجود دارد که اراده و عزم مجریان آن، به سردی و سستی بگراید.

(۵) حاکم شدن رابطه به جای شایسته سالاری در واگذاری شرکت ها و حتی در بخش مدیریت شرکت های واگذار شده، از جمله آفات و موانع در راه موفقیت این سیاست ها می باشد.

(۶) ملاحظات سیاسی و جناحی و سطحی نگری مسؤولان اجرایی، از دیگر مشکلات احتمالی پیش روی اجرای سیاست های کلی است.

(۷) به وجود آمدن نوعی دلسردی در بخش خصوصی به دلیل احتمال انتقال کارخانه ها و بنگاه های اقتصادی به شخصیت های ذی نفوذ و مراکز شبه دولتی، از عمده دلایل بی تحرکی در جریان این خصوصی سازی ها است.

#### راهکارهای خصوصی سازی واقعی

به برخی پیشنهادات در اجرای هرچه بهتر این سیاست ها می پردازیم:

- آماده سازی شرکت های دولتی به منظور واگذاری به بخش خصوصی و تعاونی
- گسترش بازار سرمایه و جلب سرمایه های بخش خصوصی با تأکید بر تقویت ساختار و مکانیزم بورس اوراق بهادار، با توجه به تجربه مفیدی که طی سال های

بر اساس مطالعه آمارهای مربوط به خصوصی سازی شرکت های دولتی در سال های ۷۰ تا ۸۵ و شش ماهه نخست ۸۶، حجم کل واگذاری ها در دهه ۷۰، برابر با ۸ هزار و ۳۲۹ میلیارد ریال بوده است که این رقم، فقط معادل ۱۱/۹۲ درصد از واگذاری ها، طی کل دوره می باشد. میزان فروش سهام در سال ۷۹ (شروع برنامه سوم)، هزار و ۷۲۳ میلیارد ریال بوده که با کاهش ۸۸ درصدی به ۲۰۱ میلیارد ریال در سال ۸۰ رسیده است. علت این کاهش، بیشتر مربوط به عدم تشکیل نهادهای پیش بینی شده در برنامه سوم توسعه، مانند سازمان خصوصی سازی و ایجاد وقفه در این فرآیند بوده است. با فعال شدن سازمان مذکور، فروش سهام در سال ۸۱ رشد چشمگیری یافت و به ۳ هزار و ۱۱۸ میلیارد ریال رسید. حداکثر واگذاری ها نیز، مربوط به سال ۸۵ با ۲۷ هزار و ۶۸۳ میلیارد ریال (معادل ۳۹/۶۳ درصد کل دوره) است که علت اصلی رشد قابل توجه در این دوره، واگذاری سهام در قالب سهام عدالت علاوه بر سایر روش های واگذاری می باشد.

از مقایسه درآمد پیش بینی شده حاصل از خصوصی سازی و ارزش سهام واگذار شده طی سال های ۸۱ تا ۸۴، می توان دریافت که عملکرد خصوصی سازی و واگذاری شرکت های دولتی در ایران، طی این دوران چندان موفق نبوده و حتی از لحاظ کمی نیز اهداف و برنامه ها محقق نگردیده است. لذا یکی از مهمترین دلایل بررسی، تدوین و ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۸۴، عملکرد نه چندان قابل قبول گذشته در این مقوله بوده است.

#### موانع و مشکلات

به طور خلاصه می توان موانع و چالش های پیش روی اجرای صحیح و به موقع ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی را در موارد ذیل ذکر کرد:

(۱) واگذاری حجم وسیعی از بنگاه های عظیم دولتی، نیاز به نقدینگی فراوان

- نظارت بر اجرای طرح، اعم از نظارت بر فعالیت‌ها و فروش‌های سهام در بورس، نظارت بر نحوه انجام معاملات، نظارت بر نحوه اعلام فروش شرکت‌ها توسط دستگاه‌های ذیربط
  - اصلاح ساختار فرهنگی و بینش جامعه، اطلاع‌رسانی مناسب و اشاعه فرهنگ خصوصی‌سازی
  - استفاده بهینه از منابع مالی آزاد شده توسط جریان خصوصی‌سازی
- امید است با فراهم نمودن شرایط و اهتمام جدی مسئولان، شرایط جهت حرکت به سمت اقتصاد آزاد، بدون دخالت‌های دولت فراهم شده و شاهد آثار مبارک اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در جامعه ایران باشیم. ■

- اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی کسب کرده است.
- تشویق و ترغیب سرمایه‌های بخش خصوصی در فرآیندهای مولد
- رفع انحصارات و حذف رانت‌های دولتی از بخش‌های مولد اقتصاد کشور
- تسهیل در جلب مشارکت منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی
- حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی و اقداماتی چون اصلاح ساختار تجاری، اصلاح مقررات گمرکی، اصلاح قیمت‌های داخلی، گسترش و رقابت در بازارهای خارجی
- تکیه بر نظام بازار به جای دخالت مستقیم دولت در قیمت‌گذاری و تخصیص کالا و خدمات

## تحلیل روابط ایران و آمریکا

## ایران و آمریکا، بالاخره چه راهی؟



از نگاه دکتر علی خُرم، منطقه خاورمیانه که می‌رفت به میدان نزاع ایران و آمریکا تبدیل شود، می‌تواند مایه ثبات و امنیت برای کشورهای این منطقه، در سایه سیاست‌های اصولی و منطقی طرفین باشد.

آمد. کشورهای صاحب قدرت که کشورهای غربی و همپیمانان آمریکا می‌باشند، هیچگاه منافع اندک خود با ایران را به منافع رابطه با آمریکا ترجیح نمی‌دهند. به سادگی می‌توان دریافت که ادامه این شرایط به معنای فراموش کردن اهداف چشم‌انداز خواهد بود که برای جمهوری اسلامی ایران، چه در داخل کشور و چه در خارج گران تمام خواهد شد. به عبارتی دیگر، جدایی از روابط دیپلماتیک با ایالات متحده، تبعات و آثار سویی به همراه دارد و کشور نمی‌تواند از مزایای این ارتباط صرف‌نظر کند. از سوی دیگر، با تغییر شرایط منطقه‌ای و آزاد شدن برخی پتانسیل‌ها به سود ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توانسته در ظرف چند سال گذشته، حضور بیشتری در خاورمیانه داشته باشد و از بازیگران اصلی این منطقه به حساب آید. این هدف که روز به روز دغدغه مهمتری برای کشور تلقی می‌گردد، خود در گروه همکاری، هماهنگی و شراکت منافع ملی در منطقه می‌باشد. هرگونه هماهنگی و همکاری در منطقه، مستلزم مذاکره و رفع تنش با آمریکا است که بیشترین حضور خارجی را در خاورمیانه و به ویژه در خلیج فارس دارد. تصور این که در یک نبرد فرسایشی می‌توان عامل آمریکا را کنار گذاشت، تصویری غیرواقع‌بینانه است، در حالی که کشورها، رشد و توسعه سیاست خارجی خود را منوط به شرایط غیرواقع‌بینانه که دست‌یافتنی نیست، نمی‌نمایند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود جمهوری اسلامی ایران به دلایل متعدد، همچون عوامل فوق، بایستی به دنبال رفع تنش با ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت اول جهانی باشد تا به رویای قدرت اول منطقه نایل آید.

## الگوی برای دو طرف

چنانچه مجموعه شرایط، چه در طرف ایالات متحده آمریکا و چه در سوی جمهوری اسلامی ایران، با یک نگاه بی‌طرفانه مورد بررسی قرار بگیرد این نتیجه حاصل می‌شود که طرفین نیازمند ارزیابی بیشتر از یکدیگر می‌باشند و ادامه این تنش نافرجام، به ضرر منافع ملی هر دو کشور است. ایران و آمریکا می‌بایست بر عداوت‌های گذشته فایق آمده و به خاطر منافع و امنیت ملی خود، نوعی از روابط دیپلماتیک معمول برگزینند تا آینده به تدریج راه را برای نزدیکی بیشتر دو کشور فراهم سازد. آمریکا به بازیگری قوی در خاورمیانه احتیاج دارد که از خود منطقه بوده و الگوهایش مورد قبول مردم مسلمان منطقه باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز به محیطی آرام در صحنه سیاست خارجی خود نیاز دارد که بتواند امکانات داخلی را در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله با امکانات خارج پیوند زند تا به رشد ناب و مطلوب دست پیدا کند و در صحنه خارجی نیز بتواند به یاری سایر بازیگران پرداخته و صلح، امنیت و همکاری اقتصادی تجاری را برای کل منطقه خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا پس از ۳۰ سال تنش اکنون در حال ارزیابی یکدیگر هستند که شاید برون رفتی از این تنگنا بیابند. آمریکا طبیعتاً به عنوان یک کشور قدرتمند و تأثیرگذار، همواره درصدد بوده در موضع بالاتر مذاکرات قرار گرفته و با جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو گردد. استراتژی آمریکا همواره بر پایه سخن دستوری از بالا به پایین بوده که سعی نموده ارزش‌ها و سیاست‌های خود را به ایران بقبولاند. این استراتژی در مورد اغلب کشورها پاسخ مثبت داده است و لذا آمریکا هیچگاه درصدد این نبوده که احتمال اشتباه در سیاست‌هایش را بررسی نماید بلکه تنها، به انتظار فروپاشی و یا تسلیم طرف مقابل نشسته و در این رابطه از ابزارهای قدرت خود در صحنه سیاسی، اقتصادی، نظامی و در نهایت در صحنه‌های علمی و تکنولوژیکی بهره کافی جسته است. از قضا جمهوری اسلامی ایران، هم در صحنه داخلی و مقاومت مردمی، هم در صحنه‌های اقتصادی به جهت منابع عظیم طبیعی خدادادی خود و هم در صحنه‌های سیاسی بین‌المللی به جهت موقعیت ژئوپلیتیک خود توانسته این معامله همیشگی آمریکا را برهم زده و علیرغم برخی خسارات وارده، در مقابل آمریکا تسلیم نشود.

اوج سیاست‌های خصمانه آمریکا، در دوره نومحافظه‌کاران به نمایش گذاشته شد. از ژوئن ۲۰۰۳ و بعد از سقوط رژیم بغداد کاخ سفید تصور نمود وقت پایان دادن به سرنوشت جمهوری اسلامی ایران فرا رسیده است. لذا از سیاست‌های فروپاشی از درون یا تغییر رژیم، سیاست‌های تنبیهی و برقراری تحریم‌های بین‌المللی و در نهایت سیاست‌های تهدید مستقیم نظامی استفاده نمود تا به هدف خود نایل آید ولی به دلایل گوناگون در این راه بی‌نصیب ماند.

مجموعه شرایط و از جمله توانمندی جمهوری اسلامی ایران، باعث گردید جنگ سالاران آمریکایی که عموماً در قالب سیاسیون متبلور شده بودند، متقاعد شوند که بکارگیری سیاست‌های سخت‌افزاری در مورد ایران هنوز کارگر نیست و ادامه این بحث نه تنها به منافع ملی سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای مساعدتی نمی‌کند بلکه باعث درگیری بیشتر آمریکا در بحران‌های خاورمیانه خواهد شد. در طرف جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف و شرایطی تعریف شده است که ادامه تنش با آمریکا، مخالف با آن اهداف و دیدگاه‌ها است. اگر تا چند سال پیش، ایران در درون مرزهای خود به حل و فصل امور اولیه می‌پرداخت و نیازی به مساعدت سرمایه، تکنولوژی و مدیریت خارجی نداشت اما اکنون با تصویب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و رویای قدرت اول منطقه شدن، دیگر نمی‌توان از فراسوی مرزها چشم برداشت. اکنون با گذشت سه سال از مهلت چشم‌انداز، همگان متوجه شده‌اند که مقولات سرمایه، تکنولوژی و مدیریت مدرن خارجی که چین از طریق بهره‌گیری از آنها توانست به غول اول صادرات جهان تبدیل شود، در زیرسایه تحریم‌های خارجی و خصومت با آمریکا به دست نخواهد